نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و سوم، شماره ۷۱، زمستان ۱۴۰۲

تبیین رویکرد تلفیقی در مدیریت و کنترل مرزها
موردمطالعه مرزهای خشکی ایران

دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۷ **پذیرش نهایی**: ۹۹/۴/۱۹

صفحات: ۲۱۹-۱۹۹

ریحانه صالح آبادی: دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Email: reyhane.salehabadi@gmail.com
سیروس احمدی: استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران[1]
Email: ahmadi@modares.ac.ir
افشین متقی: دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، ایران
Email: a.mottaghi@khu.ac.ir

چکیده

مرزها به‌عنوان نقاطی که نهادهای حکومت به روش‌ها و اشکال گوناگون قانون خود را در آن پیاده‌سازی می‌نمایند شناخته می‌شوند. با توجه به اینکه جهت کنترل و مدیریت مرزها رویکردهای گوناگونی اتخاذ شده است می‌توان مشاهده نمود که همچنان این موضوع در کشورهای درحال‌توسعه ازجمله ایران به‌عنوان موضوعی امنیتی نگریسته می‌شود و بیشترین رویکردهای مرتبط با این امر از دیدگاه امنیتی محض موردتوجه قرار گرفته است؛ در حالی‌که نگاه به مرز باید به‌صورت چندبعدی و همه‌جانبه باشد. در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌ها هستیم که مدیریت مرزهای خشکی به چه صورتی می‌تواند انجام شود؟ و کدام‌یک از شاخص‌های مدیریت مرزها از وزن و اهمیت بیشتری برخوردار است؟ بنابراین روش تحقیق به‌صورت تلفیقی و متشکل از آزمون کندال، دیمتل و روش AHP می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با استفاده از تکنیک‌های موردنظر می‌توان بیان کرد شاخص‌هایی ازجمله تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها (۰,۱)، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی (۰,۰۹۹)، تعیین و مشخص کردن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن (۰,۰۹۸) و خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا (۰,۰۹۶) دارای بیشترین وزن هستند؛ بنابراین می‌توان به‌عنوان نتیجه گفت که مدیریت در مناطق مرزی باید به‌صورت تلفیقی و ترکیبی با سایر عوامل در نظر گرفته شود بدین معنا که به‌کارگیری تنها یک رویکرد مانند اقتصادی یا امنیتی نمی‌تواند راهگشای حل مشکلات نواحی مرزی کشور باشد.

کلید واژگان: مرز، مدیریت مرز، رویکرد تلفیقی، مرز خشکی

---

۱. **نویسنده مسئول:** تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیای سیاسی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

مقدمه

بخش قابل‌توجهی از ادبیات جغرافیای سیاسی متمرکز بر مطالعه مرزها و مناطق مرتبط با آن‌ها است. مرزهای سیاسی نشان‌دهنده حدود صلاحیت و قدرت یک سیستم حکومتی می‌باشند. اصطلاح مرز با مفهوم وستفالیایی حق حاکمیتی حکومت‌ها دارای ارتباط تنگاتنگی است (Anderson, 2001: 15, Wolff, 2008: 253). در واقع مفهوم نوین مرز به معنی خط فرضی مشخص‌کننده شروع حاکمیت یک کشور، ریشه در سده‌های اخیر دارد و مفهومی جدید است. در جهان معاصر دیگر مرز را خط جداکننده دو کشور یا دو واحد سیاسی مستقل نمی‌دانند زیرا جهان کنونی جهان پیوندهای شبکه‌ای و همکاری‌های گسترده است. لذا مرز خط شروع حاکمیت و نیز خط پیونددهنده دو حاکمیت سیاسی و دو یا چند کشور مستقل می‌باشد. حال این سؤال مطرح می‌گردد که در وضعیت پس از جنگ سرد آیا مرزهای سیاسی اهمیت خود را ازدست‌داده‌اند یا خیر؟ آیا این تغییرات در سیر جهانی‌شدن توانسته است بر حرکت مردم، کالاها و خدمات تأثیر بگذارد؟ امروزه مشاهده می‌کنیم که دولت‌ها به‌طور فزاینده‌ای در تلاش برای تنظیم مدیریت مرزهای خود هستند. تاکنون پژوهشگران موضوعات مختلفی را در ارتباط با مدیریت مرز موردبررسی قرار داده‌اند (Bigo, 2007: 5, Salter, 2008: 368, Pratt, 2009: 465). به‌عنوان‌مثال تشدید استفاده از پلیس مرزی (Andreas, 2009: 25, Nevins, 2010: 15)، استفاده از فناوری‌های جدید امنیتی (Adey, 2009: 278, Amoore, 2009: 52, Smith, 2013: 88)، کنترل مهاجرت از طریق رژیم‌های شهروندی (Peutz, 2010, Aas, 2011; 337)، اقدامات مرتبط با مرزبانی (Rygiel, 2011: 6, Nyers, 2011: 731)، اقدامات اجتماعی و فرهنگی (Thompson, 2008, Pickering , 2013). بنابراین مدیریت مرزها اصولاً بر اساس سه رویکرد اصلی امنیتی-نظامی، توسعه‌گرا (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عمرانی) و تلفیقی صورت می‌گیرد که این امر ریشه در منطق نئولیبرالبیسم دارد (Walters, 2010, Côté-Boucher, 2010: 41). چنین رویکردهایی سبب افزایش امنیت مرزی، افزایش مسئولیت‌پذیری و سودآوری خصوصی و کاهش شکاف بین تقابل‌های خصوصی و عمومی امنیت می‌گردد. این عوامل سبب می‌گردد تا امنیت مرزی در نقاط مختلف تنظیم گردد (Côté-Boucher, 2014: 197). به‌طور خلاصه می‌توان گفت که مدیریت مرزها بر اساس استانداردهای خاص خود و مقررات مشخص‌شده به‌خوبی می‌تواند ثبات سیاسی و حاکمیتی را در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای یک کشور به دنبال داشته باشد. ایران به همراه چین و پس از کشور روسیه، دارای بیشترین تعداد همسایه در جهان می‌باشد. ایران با ۱۵ کشور مستقل جهان دارای مرز مشترک خشکی و آبی است (کریمی پور، ۱۳۷۹ :۲۳). طول مرزهای ایران بالغبر ۸۷۳۱ کیلومتر است که حدود ۶۰۳۱ کیلومتر از خطوط مرزی را رودخانه‌ها، مرداب‌ها و باتلاق‌ها، جنگل‌ها، کویرها و کوهستان‌ها که در شمار مرزهای خشکی محسوب می‌شوند تشکیل می‌دهند و طول مرزهای دریایی ایران در سه ساحل خلیج‌فارس، دریای عمان و دریای خزر نیز ۲۷۰۰ کیلومتر می‌باشد؛ بنابراین توجه به اینکه کشور ایران در منطقه پرتنش خاورمیانه قرار دارد و دارای مرزهای خشکی طولانی با کشورهای همسایه می‌باشد که از بی‌ثباتی سیاسی و عدم مدیریت صحیح در امور داخلی و خارجی برخوردار می‌باشند (به‌عنوان‌مثال افغانستان کشوری که دارای بیشترین ترانزیت مواد مخدر در جهان است، عراق و پاکستان که دارای بیشترین عامل بی‌ثباتی سیاسی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

از طریق وجود گروه‌های تروریستی متعدد در منطقه می‌باشد) لازم است تا به امر مدیریت مرزها به‌خصوص در نواحی خشکی بپردازیم.

مبانی نظری

عدالت فضایی و جغرافیایی

تا اوایل دهه ۱۹۳۱ نظریه‌هایی که در ارتباط با ابعاد غیرفضایی پدیده‌های اجتماعی- اقتصادی بودند به موضوعاتی مانند توسعه و عوامل مرتبط با این امر می‌پرداختند (افراخته، ۱۳۹۵: ۲۵). نظریه‌های توسعه در واقع به دنبال ایجاد برابری و عدالت اقتصادی و اجتماعی، از بین بردن همه‌جانبه نابرابری، توزیع بهینه منابع، تخصیص مجدد منابع و رشد موزون ناحیه‌ای با هدف رسیدن به برنامه‌ریزی جامع در سطح ملی و محلی بوده است (Haughton, 2004: 2). در این بین مفهوم عدالت فضایی مطرح می‌گردد که این اصطلاح نشان‌دهنده و منعکس‌کننده وقایع و ارتباطات اجتماعی است. در واقع عدالت فضایی ارتباطی بین برقراری عدالت اجتماعی و فضا می‌باشد که توسعه‌دهنده عدالت اجتماعی نیز محسوب می‌گردد (Dufaux, 2008: 2). در ارتباط با عدالت اجتماعی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: دیدگاه اول بر توزیع مجدد منابع تمرکز دارد و دیدگاه دوم بر فرایندهای تصمیم‌گیری متمرکز است. می‌توان بیان نمود که عدالت فضایی به سمت رفع فقر و تبعیض یا محدودیت سیاسی حرکت می‌کند و نشان‌دهنده وضعیت زندگی، توزیع فرصت‌ها و دسترسی به تسهیلات عمومی می‌باشد (یغفوری، ۱۳۹۶: ۱۱۶). در واقع نابرابری‌هایی فضایی با افزایش نابرابری‌های اجتماعی در شهرها و مناطق جغرافیایی تشدید می‌شوند و در نهایت منجر به افزایش نابرابری اجتماعی می‌گردند (Skop, 2006: 394). نابرابری فضایی با بی‌عدالتی اجتماعی در ارتباط مستقیم قرار دارد و از تأثیرگذاری بالایی برخوردار می‌باشد. سوجا عدالت اجتماعی را موضوعی جغرافیایی می‌داند و با مفاهیمی مانند آزادی، برابری، دموکراسی و حقوق مدنی در یک راستا می‌بیند (Manuel, 2016: 2). از دیدگاه هاروی می‌توان بیان نمود که عدالت در سازمان فضایی دربرگیرنده سه مفهوم اصلی و اساسی یعنی نیازسنجی اقتصادی، توان سنجی محیطی و منافع اجتماعی است (یاسوری، ۱۳۹۵: ۹۹). با بررسی میزان نابرابری‌ها و شناسایی بی‌عدالتی فضایی در مناطق مرزی می‌توان پی به این مسئله برد که بی‌عدالتی بیشتر در کدام بخش مرزی متمرکز شده است تا از این طریق بتوان با مدیریت صحیح و با عملکردی آگاهانه در توزیع فضایی خدمات عمومی و منافع موجود در سطح جامعه به کاهش نابرابری مرزی پرداخت و کیفیت زندگی ساکنان مرزی را ارتقا بخشید و توسعه پایدار مرزی را برای این مناطق به وجود آورد؛ بنابراین بی‌عدالتی را تنها نمی‌توان نابرابری اقتصادی در نظر داشت (Martnez, 2005: 31) بلکه این نوع بی‌عدالتی نمادی از فضا و پراکنش‌های فضایی است (Soja, 2008: 2) که بازتاب آن را در مناطق مرزی به‌خوبی می‌توان ملاحظه نمود.

تعریف و مفهوم مرز

در تعریف مرز می‌توان گفت که خطی است که یک کشور استان و ... را از دیگر کشورها جدا می‌کند (WUD, 2013). هگل مرزها را پدیده‌های فلسفی می‌داند که به‌خوبی می‌توان تضادها و پارادوکس‌های مستمر در آن‌ها را درک نمود. وی به‌صراحت بیان می‌کند که مرزها واقعاً وجود دارند و فضای علامت‌گذاری و ساختاری را شکل

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

می‌دهند که منجر به ایجاد تفاوت‌های کشورها از یکدیگر می‌شوند (Kolossov, 2013: 1). اندیشمندان گوناگون تعاریفی از مرز ارائه داده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: درایسدل- بلیک: مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا،... مانع ایجاد می‌کند (دراسیدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱). محمدرضا حافظ‌نیا: مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ-نیا، ۱۳۸۵: ۶۹). دره میرحیدر: خطوط مرزی، خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به‌منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۱۶۱). پیروز مجتهدزاده: مرز خطی است فرضی در فضا که جداکننده دو ملت، دو کشور و دو نظام حکومتی است، مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: جزوه کلاسی). بدیهی است که تمامی تعاریف اشاره به خطی بودن مرز دارند و گاهی اوقات با عنوان نوار باریک نیز شناخته می‌شود (MWUD,2014). علاوه بر این همچنین معمولاً به‌عنوان بخش یا لبه سطح و منطقه نیز شناخته می‌گردد (OD, 2014). مفهوم مرز در جغرافیای سیاسی معانی خیلی وسیع‌تری را در برمی‌گیرد و در واقع برای تعیین مرزهای حاکمیتی و اختلافات موجود بین آن‌ها به کار گرفته می‌شود (Guo, 2014: 5). مرزها را می‌توان در مواردی از این قبیل موردتوجه و بررسی قرار داد: نهادی (رسمی و غیررسمی)، عملکردی، مختلط. مرزها ممکن است توسط نهادهای رسمی یا غیررسمی ایجاد گردند و در عملیات‌های دولتی مبتنی بر قوانینی که توسط حکومت‌ها تعیین می‌گردد مرزها مورداجرا و نظارت قرار گیرند. از سویی دیگر می‌توان بیان کرد که مرزها ریشه در جوامع محلی دارند و دربرگیرنده آداب‌ورسوم، سنت‌ها، قوانین رفتاری و عقاید موجود هستند. در دهه ۱۹۹۰ جامعه بین‌المللی مرکب از صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف در ارتباط با مرز و مفهوم آن شروع به نظریه‌پردازی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی و معنایی نمودند. نیومن و پاسی (۱۹۹۸) چهار موضوع مهم را در مطالعات مرزی مورد شناسایی و بررسی قرار دادند (Paasi, 2009: 218). اولین مورد موضوع پسامدرن بوده است. آن‌ها اعتقاد دارند مباحث مرتبط با پساساختارگرایی در مورد ناوبدی سرزمینی و تجدید سرزمین در ژئوپلیتیک انتقادی ظهور نموده است، از سویی دیگر نقش مرزها در ساخت هویت اجتماعی- مکانی و درعین‌حال در ایجاد تمایزات بین ما و دیگری موردتوجه قرار داده‌اند. این بحث نیز در جامعه‌شناسی و مطالعات پسااستعماری پدید آمده است (Elias, 1994: 9). سومین مورد مرتبط با مرزها را می‌توان در گفتمان‌های مرزی که فرایندهای اجتماعی شدن ملی را به اهداف و منافع ملی پیوند می‌زنند مشاهده نمود؛ و در نهایت مقیاس‌های مختلف فضایی که در ایجاد و تولید مرزها در جغرافیای سیاسی می‌توانند موردتوجه قرار گیرند. این رویکردها برای نشان دادن توجه به مرزها می-باشد که به‌وضوح بیان می‌کند شیوه‌هایی تولید و ترسیم مرزها می‌تواند در ارتباط بین قدرت کشورها نمود یافته و بسیار جدی‌تر از گذشته موردتوجه اندیشمندان قرار گرفته است (Agnew, 1994: 59, Shapiro, 1996: 18).

اگر در ژئوپلیتیک سنتی برقراری و نگهداری از مرزهای بین‌المللی به‌عنوان راه‌حلی برای ایجاد امنیت ملی تصور می‌شد امروزه مرزها به مسئله کانونی برای مقامات مرزی و تکونوکرات‌ها در چگونگی مدیریت فضاهای متناقض

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

تبدیل شده است (Cowen, 2009: 30). در این بین رویکرد Foucauldian ما را به مطالعه مرزهای سوق می‌دهد که نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد میزان مداخله دولت‌ها در کنترل و مدیریت مرزها باید به چه میزان باشد (به‌عنوان‌مثال در تحرکات بین‌المللی در قالب صدور ویزا و مقررات مرتبط با آن) (Prokkola , 2012: 1321). در این برای کنترل این مناطق مرزی باید سیستم مدیریتی صحیحی اندیشه شود. بر طبق دیکشنری آکسفورد واژه مدیریت به معانی زیر می‌باشد: مسئول بودن؛ نظارت کردن؛ مسئول تیم بودن؛ اداره و تنظیم کردن (منابع تحت کنترل)؛ تحت کنترل در آوردن و تأثیرگذار بودن (شخص یا حیوان)؛ کنترل استفاده یا بهره‌برداری از (زمین یا ...) (The Concise Oxford Dictionary, 1999: 864). در مطالعات مرزی، مدیریت مرز شامل همه فعالیت‌هایی که سبب حصول اطمینان از عملکرد صلح‌آمیز مرز به‌گونه‌ای که ثبات و دسترسی و احساس امنیت شهروندان و کشورهای هم‌مرز را در بر گیرد، می‌شود. این فعالیت‌ها به‌طور قابل‌توجهی شامل نظارت، حفاظت از مرز، تعیین حدود نقاطی برای عبور و مرور آزادانه، کنترل دسترسی و فراهم کردن زمینه-های همکاری و ... می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر، مدیریت مرز یک مکانیسم برای تضمین امنیت مرزهای ملی و برای تنظیم حرکات قانونی در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت کشور توسط ارتباطات فرهنگی- اجتماعی- اقتصادی که از طریق مرزها فراهم می‌گردد است. بنابراین واژه مدیریت مرز یک واژه گسترده‌تری است که محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت آن‌ها را مشخص می‌کند (Pratt, 2001: 7). در تعریفی دیگر، مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فناوری‌هایی که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور مرور افراد و کالا، استفاده بهینه از منابع مشترک و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند، اشاره می‌کند. این موضوع، همچنین شامل آژانس‌های مختلف سازمان‌یافته و سایر زیرساخت‌های فیزیکی، تسهیلات و ترتیبات امنیتی طراحی‌شده و مدیریت‌شده نیز می‌شود. مدیریت مرز بیش از کنترل مرزی که گمان می‌شود مسئولیت رسیدگی به عبور مرور افراد، کالاها، منابع مرزی و ... داشته باشد با امنیت ملی کشور ارتباط دارد (Heinesson, 2009: 1). به عبارت ساده‌تر مدیریت مرز را می‌توان بدین‌صورت بیان کرد. مدیریت مرز یعنی برقراری تعادل بین باز کردن مرزها تا حدی که بتوان از حداکثر فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و فواید فراسوی مرز و مشترک مرزی نهایت بهره را برد و در همان زمان بسته نگاه‌داشتن مرز به‌گونه‌ای که ورود چالش‌ها و ناامنی‌های فرامرزی و مشترک مرزی به داخل کشور را به حداقل ممکن رساند؛ بنابراین می‌توان بیان نمود که با توجه به تعریف مرز به‌عنوان خط متمایزکننده دو واحد سیاسی فضایی از یکدیگر می‌تواند تأثیرگذاری قابل‌توجهی بر نوع مدیریت مرزها به‌ویژه از نوع خشکی داشته باشد. مرزهای خشکی به دلیل تسهیل دادن به رفت‌وآمدهای مرزی به‌عنوان یک گذرگاه عبوری بیشتر می‌تواند موردتوجه کشورها قرار داشته باشد؛ زیرا هر یک از کشورها بر اساس معیارها شاخص‌های موردنظر خود به امر مدیریت در نواحی مرزی می‌پردازند ازاین‌رو لازم است تا تعریفی فراگیر و در راستای هم برای مدیریت صحیح مرزی از سوی کشورهای دارای مرز مشترک اتخاذ گردد تا بتوانند به بیشترین موفقیت در این امر دست یابند.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

رویکردهای مدیریت مرزی

رویکرد امنیتی مرز

تهدیدات و خطراتی که گفتمان‌های امروزی در ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی پدید آورده‌اند می‌توانند تأثیرات به‌سزایی بر مرزها داشته باشند (Megoran, 2005: 715). دولت‌ها به‌طور سنتی در طول یک دهه اخیر تمرکز فزاینده‌ای بر سمت پروژه‌های امنیتی فراملی و منطقه‌ای داشته‌اند (Aalto, 2003:776). این رویکرد بیشتر بر اساس گفتمان ما و دیگری است که شکل می‌گیرد؛ زیرا روایت‌هایی از ما ارائه می‌دهند که در روابط با دیگران مشروعیت بخشیده می‌شود. آکلسون[2] دراین‌باره اشاره می‌کند که چگونه گفتمان سازنده تهدیدات می‌تواند بر مدیریت مرزها تأثیرگذار باشد. به‌عنوان‌مثال در دهه ۱۹۹۰ که به بی‌نظمی و آشوب معروف است نیاز به پاک‌سازی مرزی بود. بر اساس این دیدگاه اقدامات انتظامی توسط مقامات مرزی شکل گرفت. رویکردهای جدید امنیتی نسبت به مرزها را می‌توان از دیدگاه لوئیزا بیالاسوئیچ و همکارانش بررسی نمود. آن‌ها اعتقاد دارند که تهدیدات مانند تهدید به تروریسم یا مهاجرت کنترل نشده یا جریان پناهندگان از لحاظ عملکردی می‌تواند بر مرزها تأثیرات منفی داشته باشد (Prokkola, 2013: 83). در ارتباط با تعریف عملکردی می‌توان به نظرات بالتر و میشل فوکو اشاره نمود که بیان می‌کنند عملکرد به معنای گفتمان‌هایی است که طیف گسترده‌ای از شیوه‌های مرتبط با سیاست‌های مهاجرتی، استقرار نظامی و استراتژی‌ها و بحث‌های فرهنگی را به‌صورت گفتارهای سیاسی تبدیل نموده است (Bialasiewicz, 1993: 15).

رویکرد توسعه‌گرای مرز

مدل مدیریتی کارکردی بر محور توسعه مناطق مرزی و پویایی و شکوفایی کارکردهای مرزی استوار می‌باشد. طبق این نگرش، بحران‌ها و تهدیدها را بر بهره‌مندی از کارکردهای موجود و از بین بردن زمینه‌های آن می‌توان کاهش داد یا از بین برد. بنابراین در این مدیریت، دستگاه‌ها و وزارتخانه‌هایی که در امور مرز و مدیریت آن دخیل هستند در زمینه‌های مختلف توسعه و عمران در این مناطق می‌توانند دارای نقش باشند. علاوه بر این، استفاده از اهالی مرزی و مشارکت دادن آن‌ها در برنامه‌های اجرایی، یکی از ارکان مدیریتی است. برخی از مهم‌ترین سیاست‌ها و راهکارهای اداره مطلوب مرزها و مناطق مرزی در مدل مدیریتی کارکردی و توسعه‌گرا عبارت‌اند از: اجرای طرح آمایش سرزمین و آمایش دفاعی در مناطق مرزی؛ گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی؛ خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم؛ نظام‌مند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی، افزایش و توانمندسازی بازارچه‌های مرزی؛ گسترش معابر و گلوگاه‌های تجاری و ارتباطی به‌طور رسمی در مناطق مرزی؛ کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد؛ استفاده از امکانات موجود در منطقه و مشارکت دادن اهالی مرزنشین در برنامه‌های اداره مرزی؛ برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای پیرامونی و گسترش دوستی میان مرزنشینان دو طرف مرز؛ ایجاد نهادهای تجاری و بازرگانی رسمی میان کشورهای مجاور؛ گسترش امنیت فرهنگی و اجتماعی در نواحی مرزی و ایجاد جو اعتمادسازی نسبی مرزنشینان به حکومت مرکزی؛ اصلاح قوانین گمرکی و کاهش

[2] Akleson

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا در منطقه (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۱).

مدل مدیریتی همه‌جانبه و ترکیبی

این نظام مدیریتی با توجه به بینش همه‌جانبه‌گرایی، دارای سیاست‌ها و راهکارهای سنتزی برای اداره مرزها بوده و سعی دارد از راهکارهای مناسب مدیریت نظامی- انتظامی و کارکردی به‌طور هماهنگی استفاده نماید. موقعیت، حساسیت و پیچیدگی‌های مرزها و مناطق مرزی ازیک‌طرف و تحولات جهانی و منطقه‌ای در ابعاد سیاستی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، دفاعی و امنیتی از طرف دیگر ایجاب می‌کند که از نگرش تک‌بعدی به مرزها پرهیز شود و در مدیریت و اداره آن تمامی زوایا و زمینه‌ها مدنظر قرار گیرد. با مدیریت همه‌جانبه نگر هم می‌توان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد و هم باعث به فعلیت رساندن کارکردهای سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و ... این مناطق مرزی شد. سیاست‌ها و راهکارهای مدیریتی همه‌جانبه‌گرا و ترکیبی در اداره مرزها و مناطق مرزی عبارت‌اند از: مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی؛ ایجاد شرایط و فضای مناسب و امن با فرایندهای کارکردی و حمایت نیروهای نظامی و انتظامی در باروری ظرفیت‌ها و کارکردهای مرز؛ تعیین و مشخص نمودن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن؛ تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها؛ مقابله با تهدیدها، ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاستی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای با حمایت و پشتیبانی نیروهای نظامی و امنیتی (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۵۶).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی نوشته شده است. در بخش داده‌های کتابخانه‌ای با مراجعه به مقالات فارسی و انگلیسی، کتاب‌ها و ... شاخص‌های موردنظر در مدیریت مرزها استخراج گردید. سپس به روش دلفی پرسش‌نامه‌ای طراحی گردید و در اختیار ۲۹ متخصص در حوزه مرزی قرار گرفت جدول (۱). سپس جهت سنجش و تعیین نوع روابط بین شاخص‌های به‌دست‌آمده از تکنیک دیمتل بهره گرفته شد. تکنیک DEMATEL مخفف عبارت Decision Making Trial And Evaluationاست. تکنیک دیمتل توسط Fonetla و Gabus در سال ۱۹۷۱ ارائه شد. هدف تکنیک دیمتل شناسایی الگوی روابط علّی میان یک دسته معیار است. این تکنیک شدت ارتباطات را به‌صورت امتیازدهی موردبررسی قرار داده، بازخوردها توأم با اهمیت آن‌ها را تجسس نموده و روابط انتقال ناپذیر را می‌پذیرد. برای رسیدن به این هدف پرسش‌نامه‌ای به‌صورت مقایسات زوجی و در طیف ۰ تا ۴ در اختیار ۶ صاحب‌نظر قرار گرفت. جهت تعیین روایی ابزار گردآوری اطلاعات نیز در روش مقایسات زوجی تمام عوامل با یکدیگر و در ارتباط با هم سنجیده می‌شوند در نتیجه تمام احتمالات موردنظر با در نظر گرفته نشدن یک معیار یا سؤال از میان می‌رود. علاوه بر این در مقاله حاضر برای بررسی نمودن میزان روایی پرسش‌نامه شناسایی شاخص‌های موردنظر از نظرات خبرگان استفاده شده است. پرسش‌نامه از یک سری جداول کاملاً استاندارد مرتبط با مدل‌سازی ساختاری تفسیری تشکیل شده است، بنابراین پرسش‌نامه‌های مربوطه دارای روایی قابل قبولی هستند. جهت تعیین پایایی ابزار پرسش‌نامه مزبور نیز از آزمون مجدد بهره گرفته شده است. بدین منظور ضمن

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

توزیع نمودن پرسش‌نامه‌ها بین ۶ نفر از افراد متخصص در دو نوبت متفاوت با بازه زمانی حداقل سه هفته و استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن این مقدار در حدود ۹۲٪ محاسبه شد.

جدول (۱). سیمای پاسخ‌دهندگان

ردیف	مدرک تحصیلی	تخصص	سابقه
۱	دکتری تخصصی	جغرافیای سیاسی	مرز و مرزبانی
۲	دکتری تخصصی	جغرافیای سیاسی	مرز و مرزبانی
۳	دکتری تخصصی	جغرافیای سیاسی	ساماندهی سیاسی فضا
۴	دانشجوی دکتری	جغرافیای سیاسی	ساماندهی سیاسی فضا
۵	دانشجوی دکتری	جغرافیای سیاسی	ساماندهی سیاسی فضا
۶	دانشجوی دکتری	جغرافیای سیاسی	مرز و مرزبانی

و در نهایت برای تعیین وزن عوامل مؤثر بر مدیریت مرزها از تکنیک مدل‌سازی ریاضی ای‌اچ‌پی[3] استفاده شده است. ای‌اچ‌پی یک روش ساده محاسباتی بر پایه عملیات اصلی روی ماتریس می‌باشد که با ایجاد سلسله‌مراتب مناسب و پردازش گام‌به‌گام و ساخت ماتریس‌های تطبیقی در سطوح مختلف سلسله‌مراتب محاسبه شده است. ماتریس‌ها در قالب پرسش‌نامه طراحی شد و در اختیار چهار صاحب‌نظر در حوزه علمی و سه صاحب‌نظر از مسئولین مدیریت مرزهای دریای با حضور محقق جهت پاسخ‌دهی قرار گرفت. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌ای گردآوری‌شده از روش ای‌اچ‌پی برای وزن دهی به شاخص‌ها از نرم‌افزار «اکسپرت چویس» که یک نرم‌افزار تخصصی برای تجزیه‌وتحلیل فرآیند سلسله‌مراتبی می‌باشد، استفاده شده است. جهت نمایش بهتر نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل این نرم‌افزار، از نرم‌افزار اکسل ۲۰۱۰ برای طراحی نمودارها استفاده شده است.

نتایج

شاخص‌های مدیریت مرز

۱-مدیریت اقتصادی مرز: نواحی مرزی دارای پتانسیل‌های بالایی جهت افزایش رشد و توسعه اقتصادی هستند؛ زیرا این مناطق با وجود حس هم‌جواری با همسایگان مرزی می‌توانند سبب افزایش رونق ترانزیت کالا و خدمات شوند. ازاین‌رو توسعه اقتصادی سبب می‌گردد تا رشد اقتصادی و استانداردهای زندگی ساکنان مرزی بهبود یابد (Petronela, 2012: 68). مدیریت اقتصادی در نواحی مرزی در واقع به دنبال افزایش رفاه و آسایش عمومی می‌باشد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۷: ۴۵)؛ و این امر تنها از طریق حل معضلات اقتصادی و معیشتی ساکنان نواحی مرزی امکان‌پذیر خواهد بود. با توجه به اینکه عمده‌ترین مشخصه‌های مناطق مرزی وضعیت نامطلوب منابع، نبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مهاجرت، قاچاق کالا، شورش و ناامنی است. اقتصاد نواحی مرزی دارای نقش مهم و اساسی در ترقی، پیشرفت و توسعه اقتصادی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد و همگرایی اقتصادی نواحی مرزی دارد (بدری، ۱۳۹۶: ۴۴)؛ بنابراین با در نظر گرفتن شاخص-

[3] Analytical Hierarchy Process (AHP)

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

های اقتصادی مانند احداث بازارچه مرزی، گسترش معابر و گلوگاه‌های تجاری و ارتباطی به‌طور رسمی در مناطق مرزی، اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور، ایجاد نهادهای تجاری و بازرگانی رسمی میان کشورهای مجاور و ... تا حدودی می‌تواند از این معضلات بکاهد و مناطق مرزی را به سمت‌وسوی رونق و توسعه اقتصادی هدایت نماید.

۲-مدیریت اجتماعی-فرهنگی مرز: در مدیریت اجتماعی-فرهنگی مرز توجه به موضوع سرمایه اجتماعی مورد تأکید قرار دارد؛ زیرا کانون بحث در جهان امروز بر نیروی انسانی و مردم متمرکز می‌باشد. نیروی انسانی امروزه به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه که می‌تواند نقش مهم و بسزایی در توسعه یا عدم توسعه مناطق داشته باشد مطرح می‌گردد. در مناطق مرزی نیز توجه به سرمایه اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. به‌عنوان‌مثال پوتنام بیان می‌کند که افزایش اعتماد بین شهروندان و حکومت مرکزی سبب می‌گردد تا شبکه‌هایی از فعالیت-های توسعه افزایش‌یافته، همکاری و ارتباطات و روابط بهبود یابد و از این طریق تعارضات و تنش‌های موجود در یک منطقه جغرافیایی آسان‌تر حل‌وفصل گردد (قالیباف، ۱۳۸۷: ۲۹). از سویی دیگر توجه به بحث انسجام اجتماعی در نواحی مرزی ایران می‌تواند بر امنیت مرزی تأثیرگذار باشد؛ زیرا انسجام اجتماعی نشان‌دهنده نوعی همگرایی یک جامعه و پیوندها و روابط بین اعضای آن جامعه است (Vidgern, 1997: 755). توجه به جنبه‌هایی از مدیریت مرزی که قادر باشد تا قومیت‌ها حاضر در نواحی مرزی را به‌نوعی با نواحی مرکزی پیوند دهد از اهمیت بسزایی برخوردار است. دولت‌ها باید برای کاهش اختلافات فرهنگی و ایجاد حقوق شهروندی برای این گروه‌های قومیتی تلاش نمایند (میرلطفی، ۱۳۹۴: ۶۲)؛ بنابراین توجه به شاخص‌هایی مانند کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد، گسترش امنیت فرهنگی و اجتماعی در نواحی مرزی و ایجاد جو اعتمادسازی نسبی مرزنشینان به حکومت، تلاش در جهت کاهش فاصله طبقاتی در این مناطق و افزایش رفاه عمومی و ... می‌تواند از اهمیت بسزایی برخوردار باشد.

۳-مدیریت عمرانی مرز: توسعه عمرانی و توجه به این بخش با بحث آمایش سرزمینی در ارتباط می‌باشد. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین عبارت است فرایند استفاده از امکانات، منابع و استعدادهای گوناگون موجود در یک کشور. به عبارتی برنامه‌ریزی آمایش سرزمین در جهت بهره‌برداری منطقی از منابع و امکانات و استقرار مطلوب جمعیت امکانات و فعالیت‌ها در فضای ملی است (میرمحمدی، ۱۳۸۶: ۸). به‌عنوان‌مثال می‌توان بیان نمود که با وجود قرار داشتن ۱۶ استان در حاشیه مرزها که جمعیتی بالغبر ۴۰ میلیون نفر را در بردارد عدم سرمایه‌گذاری‌های مناسب در حوزه عمران و ساخت‌وساز و عدم وجود صنایع اشتغال‌زا و تمرکز بیشتر بر سرمایه‌گذاری‌ها در برخی از مناطق داخلی کشور سبب مهاجرت اجباری هزاران نفر به داخل کشور شده است. این توزیع نامتوازن فرصت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر در زمینه ایجاد نمودن صنایع مختلف و اشتغال در استان‌های مرزی نه‌تنها باعث افزایش روند مهاجرت داخلی شده است بلکه سبب شده تا از سویی دیگر جمعیت باقی‌مانده در این استان‌ها کمتر از فرصت‌های سرمایه‌گذاری برخوردار شوند تا از این طرق بیکاری بالا و نبود فرصت شغلی خود را جبران نمایند. کمبود امکانات، ضعف در زیرساخت‌های رفاهی، توسعه‌نیافتگی و محدودیت‌های شغلی در نواحی مرزی نشان‌دهنده عدم توزیع متوازن و متعادل امکانات در مقایسه با سایر کلان‌شهرهایی مانند تهران، مشهد و البرز و... است؛ بنابراین مدیریت باید در این مناطق

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

به‌صورت جدی موردتوجه قرار گیرد تا مردم بتوانند از طریق زیرساخت‌های عمرانی شکوفایی اقتصادی پویایی آن را درک نمایند. در نهایت توجه به امر بهسازی و آسفالت راه‌های مرزی، بهره‌برداری از شبکه‌ها برق، استفاده مناسب از اراضی کشاورزی و بهره‌برداری از شبکه‌های آبدهی و زهکشی و ... می‌توان به تقویت توان عمرانی نواحی مرزی کمک بسزایی نماید و از این طریق سبب گرد تا مناطق مرزی از انزوا خارج‌شده و در ارتباط با مناطق مرکزی قرار گیرند و از سویی دیگر از طریق رشد و توسعه طرح‌های عمرانی در مناطق مرزی سبب تعادل عدالت اجتماعی و فضایی می‌شود؛ بنابراین توجه به ابعاد مدیریتی در این مؤلفه از اهمیت برخوردار است.

۴-مدیریت امنیتی-سیاسی مرز: در برخی کشورها برای حفظ و گسترش امنیت مناظر مرزی به راهکارهای نظامی‌گرایانه روی آورده و سعی نموده‌اند که امنیت مرزها را از طریق تقویت نیروهای نظامی مستقر در مرزها و کنترل‌های شدید امنیتی برقرار نمایند (حمزه پور، ۱۳۹۶: ۱۰۶). در این ارتباط می‌توان به طرح انسداد مرزها که توسط دولت آمریکا در 670مایل با کشور مکزیک انجام می‌گیرد، اشاره کرد. مرزی که به دلیل مهاجران بسیار غیرقانونی، جرائم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر، تروریسم و... به گونه‌ایی تهدیدی برای امنیت ملی و به‌ویژه امنیت اجتماعی آمریکایی‌ها بدل شده است. طرح انسداد مرزی بین آمریکا و مکزیک به معنای مسدود کردن تمام مرز نیست، به معنی کنترل و هدایت صحیح و ساماندهی امور مرزی است (طیب نیا، ۱۳۹۴: ۹۸). البته باید به این نکته نیز اشاره نمود که مدیریت امنیتی- سیاسی مرز در کشورهای مختلف چندان موفقیت‌آمیز نبوده و به‌عنوان آخرین راهکار جهت کنترل و مدیریت مرزها در نظر گرفته می‌شود. از جمله این اقدامات می‌توان به مواردی مانند انسداد فیزیکی مرز، تقویت نیروهای مرزی و تشکیل یگان‌های نظامی، کنترل نرم‌افزاری مرزها و ... اشاره نمود.

۵-مدیریت تلفیقی مرز: مدیریت تلفیقی مرز نگاهی چندبعدی به مرزها دارد و امنیت مرز را به‌صورت تلفیقی مدنظر قرار می‌دهد. در واقع این نوع از مدیریت مرزی نگرشی ترکیبی را دارا می‌باشد و جنبه‌های فرصت و تهدید را به شکل همه‌جانبه در نظر دارد و بیان می‌کند که مناطق مرزی دارای ظرفیت مناسبی برای توسعه و تولید قدرت یک سازه سیاسی- فضایی هستند (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۰). از جمله این موارد می-توان به انجام مطالعات در جهت شناخت مشکلات و مسائل مناطق مرزی و نیز توان و منابع محلی و منطقه‌ای، استفاده از مدیریت‌های استانی و محلی و افزایش نصب مدیران بومی و آشنا به ظرفیت‌های منطقه، مقابله با تهدیدها، ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاستی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای و ... اشاره نمود جدول (۲).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

جدول (۲). شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزها

مؤلفه	کد	شاخص
مدیریت اقتصادی	ECO1	نظام‌مند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی
	ECO2	افزایش و توانمندسازی بازارچه‌های مرزی
	ECO3	گسترش معابر و گلوگاه‌های تجاری و ارتباطی به‌طور رسمی در مناطق مرزی
	ECO4	ایجاد نهادهای تجاری و بازرگانی رسمی میان کشورهای مجاور
	ECO5	اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور
	ECO6	تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه و صنایع تبدیلی
	ECO7	حمایت از کسب‌وکارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی
مدیریت اجتماعی-فرهنگی	SOC1	گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی
	SOC2	کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد
	SOC3	استفاده از امکانات موجود در منطقه و مشارکت دادن اهالی مرزنشین در برنامه‌های اداره مرزی
	SOC4	برقراری روابط مسالمت‌آمیز با کشورهای پیرامونی و گسترش دوستی میان مرزنشینان دو طرف مرز
	SOC5	گسترش امنیت فرهنگی و اجتماعی در نواحی مرزی و ایجاد جو اعتمادسازی نسبی مرزنشینان به حکومت
	SOC6	تلاش در جهت کاهش فاصله طبقاتی در این مناطق و افزایش رفاه عمومی
مدیریت عمرانی	DEV1	خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم
	DEV2	بهسازی و آسفالت راه‌های مرزی
	DEV3	برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت
	DEV4	ایجاد شبکه‌های قوی توزیع خدمات از مرکز به‌سوی مناطق مرزی
	DEV5	بهره‌برداری از شبکه‌های برق
	DEV6	بهره‌برداری از شبکه‌های آبدهی و زهکشی
	DEV7	استفاده مناسب از اراضی کشاورزی
مدیریت امنیتی-نظامی	POL1	اجرای طرح آمایش سرزمین و آمایش دفاعی در مناطق مرزی
	POL2	انسداد فیزیکی مرز
	POL3	تقویت نیروهای مرزی و تشکیل یگان‌های نظامی
	POL4	افزایش پست‌های ایست و بازرسی
	POL5	کنترل نرم‌افزاری مرزها
	POL6	استفاده از ظرفیت مرزنشینان در امنیت مرزها
مدیریت تلفیقی	COM1	مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی
	COM2	ایجاد شرایط و فضای مناسب و امن با فرایندهای کارکردی و حمایت نیروهای نظامی و انتظامی
	COM3	تعیین و مشخص نمودن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن
	COM4	تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها
	COM5	مقابله با تهدیدها، ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاستی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای
	COM6	استفاده از مدیریت‌های استانی و محلی و افزایش نصب مدیران بومی و آشنا به ظرفیت‌های منطقه
	COM7	انجام مطالعات در جهت شناخت مشکلات و مسائل مناطق مرزی و نیز توان و منابع محلی و منطقه‌ای

منبع: نگارندگان

اهمیت شاخص‌ها با استفاده از ضریب توافق کندال

جهت بررسی و نهایی نمودن عوامل و شاخص‌های شناسایی‌شده در ارتباط با موضوع تحقیق که در روش دلفی به دست آمد از ضریب توافق کندال بهره گرفته شد. این ضریب در واقع بیان می‌کند خبرگان واقعی k هستند که ما دارای k رتبه می‌باشم بنابراین قادر هستیم تا با به کار بردن این ضریب توافق کندال w میزان همبستگی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

رتبه‌ای بین آن‌ها را به‌درستی به دست آوریم. درحالی‌که r_s و τ نشان‌دهنده درجه ارتباط بین دو متغیر می‌باشد w نشان‌دهنده میزان همبستگی میان k متغیر است. این مقیاس در واقع بیشتر در مطالعات مرتبط با قابلیت اطمینان یا پایایی داوران پایایی بین آزمون‌ها و در مطالعات خوشه‌های متغیرهای به کار گرفته می‌شود محاسبه w کندال به شرح رابطه (۱) می‌باشد:

$$W = \frac{S}{\frac{1}{12}K^2(N^3 - N) - K\sum T}$$

$$T = \frac{\sum(t^3 - t)}{12}$$

$$S = \sum\left[R_j - \frac{\sum R_j}{N}\right]^2$$

رابطه (۱)

رابطه (۱)، آزمون کندال به ما نشان می‌دهد که بین پاسخ افراد چه مقدار هماهنگی وجود دارد و نظرات افراد چقدر مشابه بوده است. به همین علت برای جمع‌بندی روش دلفی که از افراد نظرسنجی می‌کند، این آزمون مناسب است. ضریب کندال که با حرف اختصاری w هم نمایش داده می‌شود، همواره عددی بین ۰ و ۱ است. اگر مساوی با ۰ شود به این معناست که نظرات کاملاً متفاوت بوده است و اگر مساوی با ۱ شود یعنی نظرات افراد کاملاً شبیه به هم بوده است؛ بنابراین، هرقدر مقدار w به ۱ نزدیک‌تر باشد بهتر است. در جدول (۳)، نتایج آزمون کندال نشان می‌دهد که ضریب w (خانه نارنجی‌رنگ) برابر با ۰٫۲۰۵ است. همچنین، مقدار sig (خانه آبی‌رنگ) کوچک‌تر از ۰٫۰۵ بوده و بنابراین معناداری آزمون تأیید می‌شود.

جدول (۳). نتایج آزمون کندال

Test Statistics	
29	N
.205	Kendall's W[a]
190.096	Chi-Square
32	Df
.000	Asymp. Sig.
a. Kendall's Coefficient of Concordance	

میزان تأثیر و تأثر شاخص‌ها با استفاده از روش سیستمی دیمتل

بررسی مدیریت مرزها بر اساس ۳۳ معیار و شاخص مطابق جدول (۴) پرداخته شد. برای بررسی معیارها از نظر ۶ خبره استفاده شده است. میزان اهمیت شاخص‌ها ($J_i + R_i$) و رابطه بین معیارها ($J_i - R_i$) مشخص می‌گردد. اگر $J_i - R_i > ۰$ باشد معیار مربوطه اثرگذار و اگر $J_i - R_i < ۰$ باشد معیار مربوطه اثرپذیر است. جدول (۴)، $D_i + R_i$ و $J_i - R_i$ را نشان می‌دهد. شکل (۱) میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین معیارها را نشان می‌دهد. بردار افقی (J + R) میزان تأثیر و تأثر عامل موردنظر در سیستم است. به‌عبارت‌دیگر

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

هرچه مقدار J + R عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. متغیرهایی مانند تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی، گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم، تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه و صنایع تبدیلی و مناطق آزاد تجاری و اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا در منطقه نشان‌دهنده تعامل بالا و ارتباط سیستمی قوی با سایر متغیرها هستند. از سویی دیگر همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد بردار عمودی (J – R) قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. متغیر تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی، مقابله با تهدیدها، ارائه سیاست‌ها و راهکارهای سیاستی، اقتصادی، فرهنگی و توسعه منطقه‌ای با حمایت و پشتیبانی نیروهای نظامی و امنیتی، استفاده از مدیریت‌های استانی و محلی و افزایش نصب مدیران بومی و آشنا به ظرفیت‌های منطقه، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، انجام مطالعات در جهت شناخت مشکلات و مسائل مناطق مرزی و نیز توان و منابع محلی و منطقه‌ای، ایجاد شرایط و فضای مناسب و امن با فرایندهای کارکردی و حمایت نیروهای نظامی و انتظامی در باروری ظرفیت‌ها و کارکردهای مرز، تعیین و مشخص نمودن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن، اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا در منطقه و ... علت این مدل سیستمی محسوب می‌شوند؛ و عواملی مانند گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی، خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم، تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه و صنایع تبدیلی و مناطق آزاد تجاری، ایجاد نهادهای تجاری و بازرگانی رسمی میان کشورهای مجاور، استفاده از ظرفیت مرزنشینان در امنیت مرزها، افزایش و توانمندسازی بازارچه‌های مرزی، نظام‌مند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی، کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد و ... به‌عنوان معلول نمایش داده شده است. به‌طورکلی اگر J – R مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

جدول (۴). محاسبه روابط میان شاخص‌های مدیریت مرزها

شاخص	مجموع ستونی R	مجموع ستونی J	R+J	R-J
COM4	۷.۶۲۵۲	۶.۷۲۱۹	۱۴.۳۴۷۱	۰.۹۰۳۳
COM1	۷.۶۲۵۲	۶.۹۶۷۵	۱۴.۵۹۲۷	۰.۶۵۷۷
COM5	۷.۶۲۵۲	۶.۶۵۴۸	۱۴.۲۸	۰.۹۷۰۴
COM6	۷.۵۳۸۱	۵.۲۹۰۵	۱۲.۸۲۸۶	۲.۲۴۷۶
ECO7	۷.۵۲۱۶	۷.۱۸۸۴	۱۴.۷۱	۰.۳۳۳۱
SOC1	۷.۵۰۱۳	۷.۵۴۲۵	۱۵.۰۴۳۷	-۰.۰۴۱۲
DEV3	۷.۴۶۲۷	۷.۰۱۸۷	۱۴.۴۸۱۴	۰.۴۴۴۱
COM7	۷.۴۵۱	۶.۷۱۷۵	۱۴.۱۶۸۴	۰.۷۳۳۵
COM2	۷.۴۵۱	۶.۹۷۱	۱۴.۴۲۲	۰.۴۷۹۹
DEV1	۷.۴۱۷	۷.۵۱۷۱	۱۴.۹۳۴۱	-۰.۱۰۰۱
ECO6	۷.۴۰۱۱	۷.۴۲۴۸	۱۴.۸۲۵۹	-۰.۰۲۳۷
COM3	۷.۳۶۵۶	۶.۹۶۱۲	۱۴.۳۲۶۸	۰.۴۰۴۴
ECO5	۷.۳۳۹۳	۷.۰۲۸۳	۱۴.۳۶۷۵	۰.۳۱۱
DEV4	۷.۳۳۲۸	۶.۷۷۷۶	۱۴.۱۱۰۳	۰.۵۵۵۲
SOC4	۷.۱۸۲۱	۷.۱۰۵۹	۱۴.۲۸۸	۰.۰۷۶۲
SOC5	۷.۱۸۱	۷.۰۹۲۴	۱۴.۲۷۳۵	۰.۰۸۸۶
SOC3	۷.۱۴۵۳	۶.۷۶۸۸	۱۳.۹۱۴۱	۰.۳۷۶۵
POL2	۶.۹۹۴۶	۶.۸۸۹	۱۳.۸۸۳۶	۰.۱۰۵۶
POL3	۶.۹۹۴۶	۶.۷۲۶۳	۱۳.۷۲۰۹	۰.۲۶۸۳
ECO4	۶.۹۷۱۸	۷.۳۴۵۸	۱۴.۳۱۷۷	-۰.۳۷۴
POL6	۶.۹۰۷۵	۷.۱۱۵۵	۱۴.۰۲۳	-۰.۲۰۸
ECO2	۶.۸۸۷۳	۷.۳۴۵۸	۱۴.۲۳۳۱	-۰.۴۵۸۶
POL1	۶.۸۲۶۳	۶.۷۲۰۴	۱۳.۵۴۶۷	۰.۱۰۵۹
SOC2	۶.۴۶۳۹	۶.۷۶۵۱	۱۳.۲۲۸۹	-۰.۳۰۱۲
ECO1	۶.۴۲۰۶	۷.۲۶۷۴	۱۳.۶۸۸	-۰.۸۴۶۸
SOC6	۶.۳۶۶۳	۷.۲۶۲۴	۱۳.۶۲۸۷	-۰.۸۹۶۱
POL4	۶.۰۴۸۶	۶.۷۲۶۳	۱۲.۷۷۴۸	-۰.۶۷۷۷
POL5	۵.۹۶۱۴	۶.۷۲۶۳	۱۲.۶۸۷۷	-۰.۷۶۴۸
ECO3	۵.۹۰۲۷	۷.۳۴۵۸	۱۳.۲۴۸۵	-۱.۴۴۳۲
DEV2	۵.۴۴۹۹	۶.۸۱۸۶	۱۲.۲۶۸۵	-۱.۳۶۸۷
DEV7	۳.۶۴۲	۳.۷۱۸۴	۷.۳۶۰۴	-۰.۰۷۶۴
DEV5	۲.۸۱۴۴	۳.۵۵۷۲	۶.۳۷۱۶	-۰.۷۴۲۸
DEV6	۲.۸۱۴۴	۳.۵۵۲۳	۶.۳۶۶۷	-۰.۷۳۷۹

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

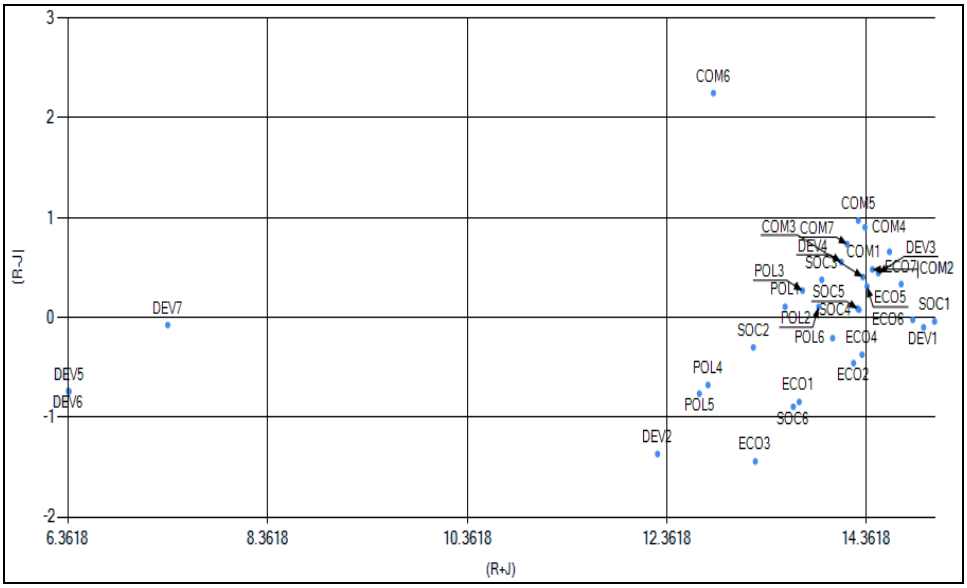

شکل (۱). روابط علی و معلولی بین شاخص‌ها

شکل (۱) نیز بیانگر این موضوع است که اغلب شاخص‌های موردنظر در بازه ۰ تا ۱ قرار دارند و به‌صورت شاخص‌های تأثیرگذار که دارای روابط علت و معلولی قوی در سیستم تحلیل موردنظر هستند می‌باشند. شاخص‌هایی که در بازه ۰ تا -۱ هستند اغلب شاخص‌های تأثیرپذیر می‌باشند که به‌عنوان معلول در این نگرش سیستمی در نظر گرفته شده‌اند.

فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی ماتریس مقایسات زوجی

این رویکرد نظر بسیاری از علاقه‌مندان در حوزه‌های مطالعاتی علوم اجتماعی را به خود جلب نمود. این تکنیک در راستای تعیین نمودن اهمیت نسبی هر یک از متغیرها بر اساس معیار موردنظر به کار گرفته می‌شود. در این پژوهش پرسش اصلی بدین‌صورت مطرح شد که مهم‌ترین عامل مؤثر بر مدیریت مناطق مرزی کدام‌ها هستند؟ رتبه‌بندی بر اساس ماتریس‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که توجه به عوامل ترکیبی و همچنین اقتصادی و اجتماعی از جمله تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک محلی و بومی در مناطق مرزی، گسترش ارتباطات و شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی و فرهنگی در مناطق مرزی، برنامه‌ریزی و سازمان دادن انسان، فضا و فعالیت، خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا و اجرای طرح احیا و توسعه مناطق محروم، تزریق بودجه‌های جهشی جهت ایجاد زیرساخت‌های لازم توسعه مانند، راه، فرودگاه و صنایع تبدیلی و مناطق آزاد تجاری، اصلاح قوانین گمرکی و کاهش عوارض گمرکی متناسب با کشور مجاور جهت سهولت در امر مبادلات تجاری کالا، افزایش و توانمندسازی بازارچه‌های مرزی، نظام‌مند ساختن مبادلات تجاری در مناطق مرزی، کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی در مناطق مرزی و تقویت هویت ملی نهاد دارای

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

بیشترین وزن هستند که این امر نشان‌دهنده تأثیرگذاری بالای این عوامل بر مدیریت مرزی می‌باشد که باید موردتوجه قرار گیرد. از سویی دیگر عوامل امنیتی مانند انسداد فیزیکی مرزها، پست‌های ایست و بازرسی و ... دارای کمترین وزن هستند این امر نشان‌دهنده این موضوع است که از دیدگاه صاحب‌نظران ما باید به مدیریت مرزها نگاهی تلفیقی داشته باشیم تا بتوانیم به اهداف موردنظر که همانا تأمین امنیت و بهبود زندگی مرزنشینان است نائل آییم شکل (۲).

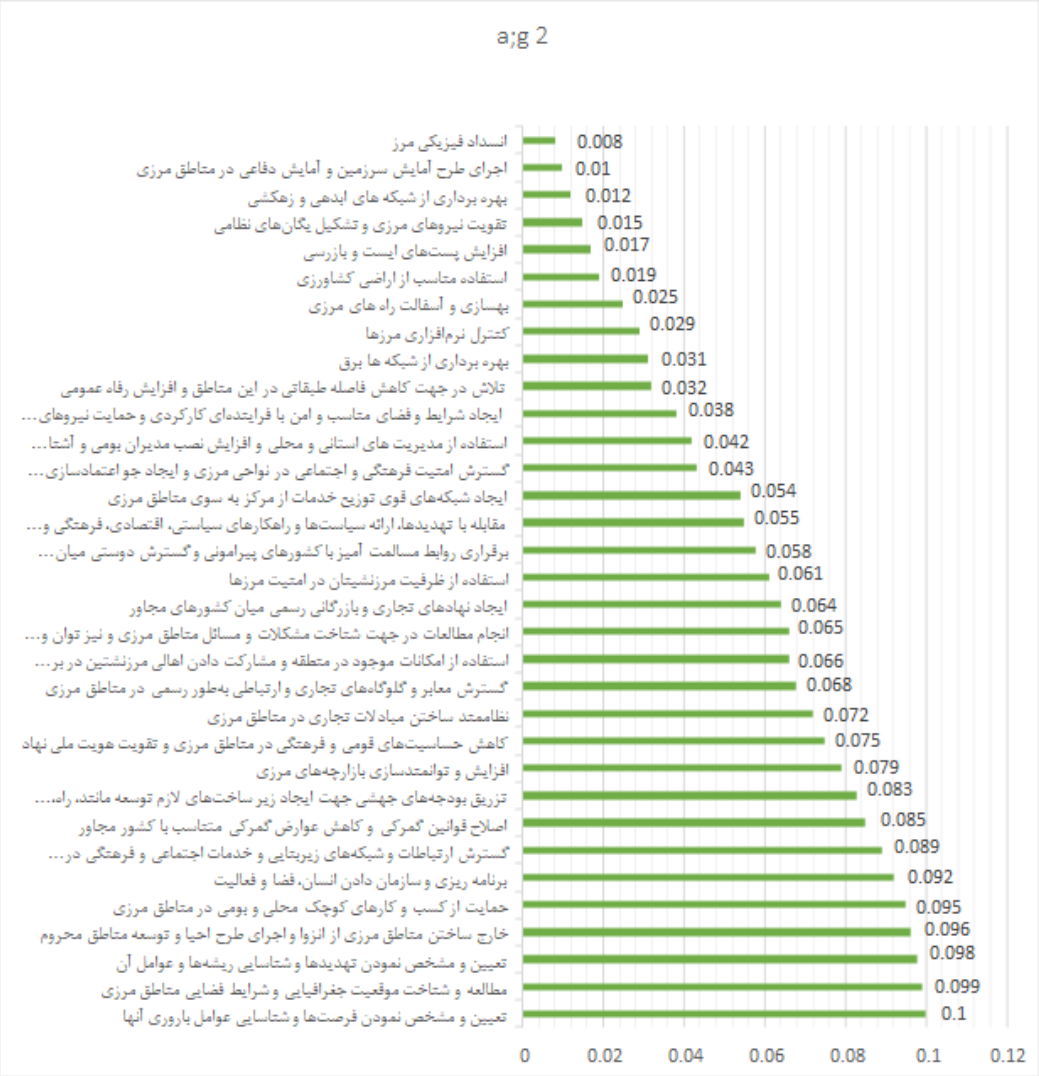

شکل (۲). رتبه‌بندی شاخص‌ها بر اساس میزان اهمیت

تجزیه‌وتحلیل و نتیجه‌گیری

بررسی موضوع مدیریت مرزها می‌تواند به تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه زیربنایی یک کشور کمک بسیاری نماید. اغلب به بعد مدیریتی به‌صورت یک‌جانبه نگریسته می‌شود در حالی‌که موضوع مدیریت امری چندبعدی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

می‌باشد. در واقع در عصر جهانی‌شدن نمی‌توان تنها به مرز نگاه امنیتی داشت زیرا ما در عصر اطلاعات و ارتباطات قرار داریم و فرایند جهانی‌شدن بر موضوعات و ابعاد مختلف مدیریت مرزی مانند مدیریت اجتماعی- فرهنگی مردم و تأثیرات سرمایه انسانی بر کنترل و مدیریت مرزها قابل‌مشاهده می‌باشد. در واقع مرزها در جهان امروز به‌صورت دوطرفه کشورهای همسایه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند و باعث می‌شود تا مقوله مدیریت مرزی برای بهبود روابط بین کشورها به موضوع مهمی تبدیل گردد؛ و این موضوع خود به‌عنوان عاملی جهت افزایش تنش یا همکاری بین همسایگان در یک منطقه ژئوپلیتیکی تبدیل شود. به‌عنوان‌مثال در بحث انسداد فیزیکی تنها با بستن مرز نمی‌توان به اهداف امنیتی نائل شد بلکه باید زندگی، معیشت و رفاه ساکنان مرزی را نیز تأمین نمود تا به‌صورت مکمل از این عوامل بتوان برای برقرار و افزایش امنیت سود برد. برای همین تلاش نمودیم تا در این مطالعه با انتخاب یک جامعه آماری متخصص مهم‌ترین شاخص‌های مدیریت مرزی را تدوین و تهیه نماییم. یافته‌های پژوهش نشان داد که در بخش اصلی تحقیق ما دارای پنج بعد اصلی اقتصادی، امنیتی، عمرانی، اجتماعی- فرهنگی و تلفیقی هستیم. مهم‌ترین بخش پژوهش تمرکز بر ابزار تحقیق و استخراج شاخص‌های مرتبط با هر بعد بوده است که در نهایت ۳۳ شاخص اصلی شناسایی شد؛ و پس از انجام مقایسات زوجی، نرمال‌سازی، محاسبه ضریب سازگاری، وزن دهی، رتبه‌بندی و اولویت‌بندی شاخص‌ها انجام شد. شاخص‌هایی از جمله تعیین و مشخص نمودن فرصت‌ها و شناسایی عوامل باروری آن‌ها (۰,۱)، مطالعه و شناخت موقعیت جغرافیایی و شرایط فضایی مناطق مرزی (۰,۰۹۹)، تعیین و مشخص نمودن تهدیدها و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آن (۰,۰۹۸) و خارج ساختن مناطق مرزی از انزوا (۰,۰۹۶) دارای بیشترین وزن هستند. کم‌اهمیت‌ترین شاخص‌ها نیز شامل انسداد فیزیکی مرز (۰,۰۰۸)، اجرای طرح آمایش سرزمین و آمایش دفاعی در مناطق مرزی (۰,۰۱)، بهره‌برداری از شبکه‌های آبدهی و زهکشی (۰,۰۱۲) هستند. از نتایج تحقیق می‌توان این‌گونه استنباط نمود که شاخص‌های موجود در رویکرد تلفیقی در مدیریت مرزها به دلیل داشتن نگاهی همه‌جانبه، کلی‌نگر و چندبعدی نسبت به سایر شاخص‌ها از برتری قابل‌قبول برخوردار می‌باشد. این امر به این دلیل است که تاکنون مدیریت مرزها به‌صورت امنیتی و داشتن نگاه سیاسی صرف به مرزها در کشورها و مناطق مختلف جهان با شکست روبرو شده است. البته داشتن نگاه تک‌بعدی در زمینه توسعه و عمران مرزها نیز بدون در نظر گرفتن امنیت در این مناطق محکوم‌به شکست خواهد بود بنابراین نگاه به مرز باید با رویکردی تلفیقی همه‌جانبه صورت گیرد تا بتوان علاوه بر تأمین امنیت مرزها روند توسعه و پیشرفت در زندگی و امور زیرساختی مناطق مرزی را نیز به‌خوبی فراهم آورد. در شکل (۳) به سطح‌بندی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مرزی که بیشترین وزن مرتبط با شاخص‌های مدیریت تلفیقی است بدین شرح پرداختیم:

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

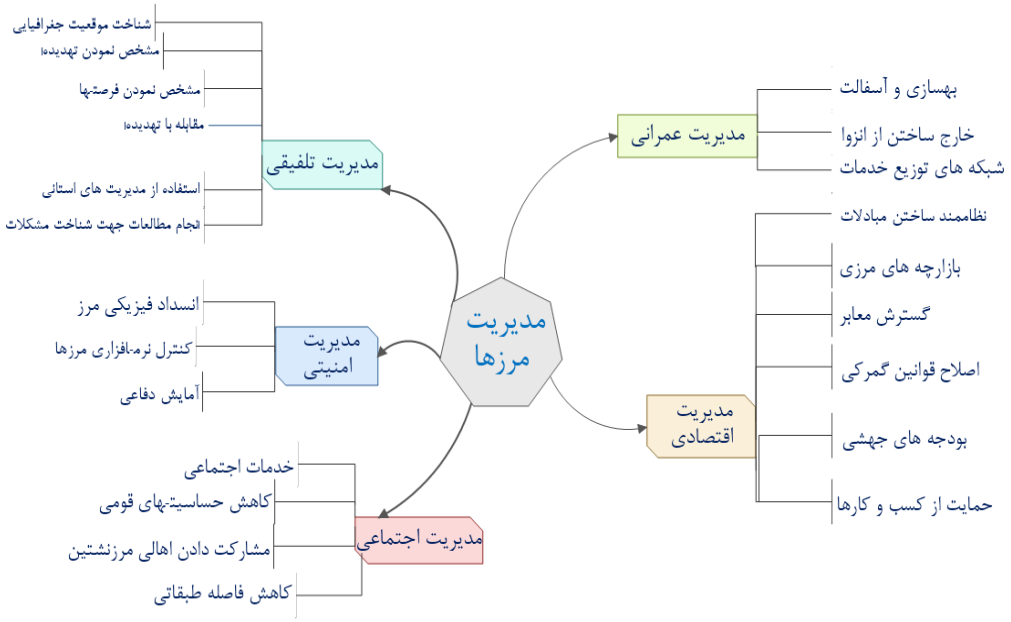

شکل (۳). سطح‌بندی مهم‌ترین شاخص‌های مدیریت مرزی

اما راهبردهایی که می‌توان از این پژوهش استخراج نمود بدین‌صورت است:

- مدیران رده‌بالا باید به مدیریت مرزها با رویکردی تلفیقی بنگرند و بسیاری از قوانین و آیین‌نامه‌ها را بر این منوال تصویب و تدوین نمایند.
- زمینه‌های جهت افزایش همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های حکومت مرکزی و مناطق مرزی جهت افزایش مشارکت ساکنین و همچنین استفاده از مدیران بومی در این مناطق انجام گیرد.
- سازمان‌های مرکزی باید تلاش نمایند تا سناریوهایی متناسب با شرایط این مناطق جهت مدیریت صحیح و کارآمد تدوین نمایند.
- باید تلاش گردد تا میزان سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در این مناطق با کاهش قوانین گمرکی و تسهیل روند مبادلات کالاها و خدمات در دو طرف مرز افزایش یابد.
- توجه به مدیریت و توسعه مرزها در برای طرح‌های آمایش سرزمینی کشور قرار گیرد.

منابع

افراخته، حسن، ریاحی، وحید، جلالیان، حمید، سرائی، سودابه. (۱۳۹۵). **ارزیابی عدالت فضایی در توزیع خدمات روستایی شهرستان‌های استان اصفهان**، فصلنامه آمایش سرزمین، ۸(۱): ۸۱-۵۷.

بدری، سید علی، دربان، علیرضا، سعدی، سیما. (۱۳۹۶). **تأثیر بازارچه‌های مرزی بر ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان**، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۷ (۳) (پیاپی ۲۶).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

پیشگاهی فرد، زهرا، میرزاده، مهدی (۱۳۹۰). **تبیین موانع مدیریت بهینه مرزهای جمهوری اسلامی ایران و پاکستان**، فصلنامه راهبرد دفاعی، ۹ (۳۵).

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد. انتشارات پاپلی.

حمزه پور، رزگار، فخری، سیروس. (۱۳۹۶). **تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در ارتقای امنیت مناطق مرزنشین (مطالعه موردی بازارچه‌های مرزی سردشت و پیرانشهر)**، فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۷ (۵).

درایسدل، آلاسدایر و جرالد اچ بلیک. (۱۳۷۳). **جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا**، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

زرقانی، سید هادی. (۱۳۹۲). **بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های مدیریت مرزها و نقش آن در امنیت مرز، نمونه موردی: مرزهای شرقی خراسان رضوی**، فصلنامه جغرافیای و توسعه ناحیه‌ای، ۱۱ (۲۰): ۱۳۹-۱۲۴.

کریمی پور، یداله. (۱۳۷۹). **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان**. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت‌معلم.

لطفی، امین. (۱۳۹۰). **بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های کنترل مرز، نمونه موردی: خراسان رضوی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

طیب نیا، سید هادی، محمدی، سعدی، منوچهری، سوران. (۱۳۹۴). **تحلیلی بر تأثیر انسداد مرزها بر امنیت پایدار نواحی روستایی پیرامون (مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان مریوان)**، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۰ (۱).

قالیباف، محمدباقر، یاری، اسلام، رمضان زاده، مهدی. (۱۳۸۷). **تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه**، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۴ (۲).

مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۵). **جزوه منتشر نشده درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک**. دانشگاه تربیت مدرس.

میرحیدر، دره. (۱۳۸۰). **مبانی جغرافیای سیاسی**. تهران. انتشارات سمت.

میرلطفی، محمودرضا، علوی زاده، سید امیرمحمد، هدایتی، خورشید. (۱۳۹۴). **بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی ـ مذهبی مطالعه موردی: شهرستان زابل**، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵ (۱۹).

یاسوری، مجید، امامی، سیده فاطمه، سجودی، مریم. (۱۳۹۵). **عدالت فضایی بهره‌مندی از امکانات و خدمات در سکونت‌گاه‌های روستایی دهستان‌های استان گیلان**، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۶ (۴۱).

یغفوری، حسین، قاسمیف سجاد، قاسمی، نرگس. (۱۳۹۶). **بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۳۲ (۳).

Adey P (2009) **Facing airport security: Affect, biopolitics, and the preemptive securitisation of the mobile body.** Environment and Planning D: Society and Space 27(2): 274–295

Amoore L (2009) **Algorithmic war: Everyday geographies of the war on terror. Antipode: A Radical**, Journal of Geography 41(1): 49–69.

Anderson, Malcolm and Eberhard Bort (2001) **The frontiers of the European Union (New York: Palgrave)**

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]

[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]

Aalto, P. S. Dalby, and V. Harle, (2003). **The Critical Geopolitics of Northern Europe: Identity Politics Unlimited**, Geopolitics 8/1 (2003): 1–19; W. Walters, The Frontiers of the European Union: A Geostrategic Perspective, Geopolitics 9/3 (2004) pp. 674–698; Zaiotti (note 2); Laitinen (note 8).

Agnew, J (1994). **The territorial trap: the geographical assumptions in international relations theory**. Review of International Political Economy, 1 (1): 53–80.

Andreas P (2009). **Border Games: Policing the U.S.–Mexico Divide**, 2nd edn. Ithaca, NY and London: Cornell University Press.

Aas KF (2011). **Crimmigrant' bodies and bona fide travelers: Surveillance, citizenship and global governanc**e. Theoretical Criminology 15(3): 331–346

Bigo D (2007) **Detention of foreigners, states of exception, and the social practices of control of the banopticon. In: Rajaram PK and Grundy-Warr C (eds) Borderscapes: Hidden Geographies and Politics at Territory's Edge**. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press, pp. 3–33.

Elias, N., (1994). **The established and the outsiders**. London: Sage. (Originally published 1965).

Cowen D and Smith N (2009) **After geopolitics? From geopolitical social to geoeconomics**. Antipode **41**(1): 22– 48

Côté-Boucher K (2010) **Risky business? Border preclearance and the securing of economic life in North America. In: Braedley S and Luxton M (eds) Neoliberalism and Everyday Life**. Montreal: McGillQueen's, pp. 37–67.

Côté-Boucher, Karine, Infantino, Federica, Mark B. Salter (2014). **Border security as practice: An agenda for research**, Security Dialogue 2014, Vol. 45(3): 195–208, DOI: 10.1177/0967010614533243.

Dufaux, F. (2008). **Birth Announcement, Justice Spatial/Spatial justice**, www.jssj.org.

Guo, Rongxing (2014). **Cross-Border Management Theory**, Method and Application, ISBN 978-3-662-45155-7 ISBN 978-3-662-45156-4 (eBook), DOI 10.1007/978-3-662-45156-4. Springer Berlin Heidelberg Dordrecht London.

Kolossov, Vladimir, Scott, James (2013). **Selected conceptual issues in border studies**, Société Royale Belge de Géographie URL: http://belgeo.revues.org/10532, DOI: 10.4000/belgeo.10532, ISSN: 2294-9135

Heinesson, (2009). **Accreditation and Border Management**. Available:www. Kghborderservices.com.

Haughton, G., Counsell, D. (2004). **Regions, Spatial Strategies and Sustainable Development ed**, London, Routledge.

Martnez, J. (2005). **monitors intra-urban nequalities with GIS-based indicators: With a case study in Rosario,** Argentina. Utrecht University.

Manuel, Jennifer (2016). **Social and Spatial Justice: Grassroots Community Action**. CHI'2016. San Jose, CA, USA.

MWUD (2014). **The Merriam-Webster unabridged dictionary**. Merriam-Webster, Inc, Springfield. http://www.merriam-webster.com/dictionary/border. Accessed 2 Feb 2014.

N. Megoran, G. Raballand, and J. Bouyjou, (2005). **Performance, Representation and the Economics of Border Control in Uzbekistan**, Geopolitics 10/4 (2005) pp. 712–740; Bialasiewicz et al. (note 9).

Nevins J (2010). **Operation Gatekeeper and Beyond: The War On 'Illegals' and the Remaking of the U.S.–Mexico Boundary**. New York: Routledge

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[Dl: 10.61186/jgs.23.71.199]

Nyers P (2011) No one is illegal between city and nation. Studies in Social Justice 4(2): 127–143. Parker N and Vaughan-Williams N (2012). **Critical border studies: Broadening and deepening the 'lines in the sand' agenda**. Geopolitics 17(4): 727–733.

Paasi, Anssi (2009). **Bounded spaces in a 'borderless world': border studies, power and the anatomy of territory**, Journal of Power, 2:2, 213-234, To link to this article: http://dx.doi.org/10.1080/17540290903064275.

Prokkola, Eeva-Kaisa (2012). **Neoliberalizing Border Management in Finland and Schengen**45 (2): 1318-1336, https://doi.org/10.1111/anti.12003.

Pratt, Martin (2009). **The Scholar-Practitioner Interface in Boundary Studies. The symposium "First Contact: Bringing Together the Worldwide Community of Border Studies" held at the Slavic Research Center at Hokkaido** University on December 19.

Pratt A (2009). **Between a hunch and a hard place: Making suspicion reasonable at the Canadian border**. Social & Legal Studies 19(4): 461–480.

Papoli Yazdi, M., & Abrahimi, M. (1387/2008). **Theories of rural development (5th Ed).** Tehran**:** SAMT Publication. [In Persian]

Petronela, A. (2012). **Concepts of Economic Growth and Development. Challenges of Crisis and of Knowledge, Economy Transdisciplinarity Cognition**, 1(15): 6-71.

Prokkola, E.-K. (2013). **Technologies of Border Management: Performances and Calculation of Finnish/Schengen Border Security**. Geopolitics, 18(1): 77–94. doi:10.1080/14650045.2012.685791

OD (2014). **Oxford dictionary. Oxford University Press**, Oxford. http://www.oxforddictionaries. com/definition/english/border. Accessed 2 Feb 2014.

Rygiel K (2011). **Bordering solidarities: Migrant activism and the politics of movement and camps at Calais.** Citizenship Studies 15(1): 1–19.

Shapiro, M.J. and Alker, H.R., eds., (1996). **Challenging boundaries: global flows, territorial identities**. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Salter MB (2008). **When the exception becomes the rule: Borders, sovereignty, and citizenship**. Citizenship Studies 12(4): 365–380.

Smith H (2013). **Overflowing borders: Smart surveillance and the border as a market device**. In: Geiger M and Pecoud A (eds) Disciplining the Transnational Mobility of People. New York: Palgrave Macmillan, pp. 83–102

Skop, E., (2006). **introduction-Utban Space: The shape of Inequality**, Urban Geography, 27 (5).

Soja, Edward. (2008). **the city and spatial justice, justice spatial/spatial justice**,." www.jssj.org WUD (2013) Webster's unabridged dictionary. Random House, Inc., New York

Wolff, Sarah (2008). **Border management in the Mediterranean: internal, external and ethical challenges**, Cambridge Review of International Affairs, 21 (2): 253-271, DOI: 10.1080/09557570802021030.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1300.0.0.148.1]
[DOI: 10.61186/jgs.23.71.199]